

ادامه از صفحه ۱۵

رکن رکن حوزه خبر را مردم‌سالاری می‌دانم

محسن بنی‌هاشمی، خبر باید همواره متوجه مردم باشد. اصلا نمی‌گویم که رسانه بایدبه حرف مردم گوش داده یاپیرومردم باشدبلکه می‌گویم باید همواره متوجه مردم باشد. بنابراین رکن رکن حوزه خبر را مردم‌سالاری می‌دانم. بنابراین تعریف چگونگی نحوه‌مواجهه با مردم حائز اهمیت است. بااین تعریف در گام نخست بایدنگاه کنیم، زمانی که در جریان خبر قرار می‌گیریم، خود را با چه نسبتی از مردم دیده و می‌سنجیم. آیا سرور مردم، معلم مردم، مشاور مطلع یا دلسوز مردم هستیم؟ ضمن آنکه همه‌اسناد بالادستی کشورم مهم‌ومقدس است، ولی اسناد بالادستی اصلی ما در قرآن یا در نهج‌البلایغه نبوده است. اسناد بالادستی اصلی در رفتار امام خمینی و رهبری نهفته است که در بسیاری از گلوگاه‌های بینیم مردم را بر هر چیزی اولی می‌دانند که این تضادی با فرمایش‌های امام علی(ع) و قرآن کریم ندارد.

آفتی در رسانه و خبر وجود دارد

که همان تکبر حاصل از اطلاعات است

وقتی وارد یک سازمان یا نهاد می‌شویم همه کار کردها باید در گرو یکدیگر باشد. مگر می‌شود که یک سند بالادستی داشته باشیم اما نیروی شجاع نداشته باشیم؟ ارکان یک سازمان یا یک ارگان باید با یکدیگر ساماندهی شوند تا متوجه شویم چطور باید مستقل شویم. استقلال آخرین بحث من در صحبت‌های دور گذشته بود. من بیشتر از آن به آدم خبری توجه‌نشان داده بودم. این که چه کسی دست به قلم بوده و خبر را می‌نویسد؟ چه کسی دروازه‌بانی خبر می‌کند؟ پراساس چه فلسفه‌وشناختی تصمیم می‌گیرد؟ اگر این‌را از ساختار حاکمیت مردمی خارج کنیم، کاملا سلیقه‌ای می‌شود. من می‌گویم آقای عمیدی (مجرى) این‌را گفته وپراساس همین جلومی‌روم، این اشتباه است. معتمد نیازمند به افراد آزادی‌خواه ایدئولوژیک، در جریان خبر هستیم. درحال حاضر یک‌آفت در رسانه‌و خبر وجود دارد که همان تکبر حاصل از اطلاعات است. شخصی که اطلاعات‌زودتر از بقیه به‌دستش می‌رسد، مستکبر می‌شود که ما اسام آن را تکبر خبری می‌گذاریم. آرام‌آرام این تغییر تدریجی رفتار برای به‌دست‌آوردن اول اطلاعات از محیط‌باعت می‌شود که محاسبات من با تولید و مواجهه با مردم و هر آنچه رهبران ما به آن سفارش می‌کنند تا خادم مردم باشیم، دچار لرزش شود. تکبر در رسانه و خبر باعث گرفتاری شده که باید به آن توجه کنیم. باید دید چه نیروی انسانی‌ای را باید جذب کنیم که امروز موضوع ورود امتکبر نشود. سوال اینجااست که این فرد باید چه استاندارد و دانشی داشته باشد. این روزها می‌بینم دشمنان از همه‌سو درحال بورش هستند؛ برای مثال، تمام اسول‌های بی‌بی‌سی برای دستگاه حاکمیتی و درآمد آن نیز از حاکمیت بوده اما درست استقلال از آزادی داشته و فریبکارانه عمل می‌کند. بسیاری از الگوهای من از ساختارهای آزادی‌خواهانه آمده‌ومی‌خواهم خود را به‌بلندگوی حاکمیت تبدیل کنم. توجه کنید جذب نیروی رسانه‌ای و خبری هم فلسفه‌و استدلال مارافوقی می‌کند. درحال حاضر در خبر احتیاج به یک نظام نامه تحولی داریم و این تحول اصلا صوری نیست. احتیاج داریم تایک تحول اساسی در ساختار خبری رخ داده و این تحول مستلزم زمان فعلی است. معتمد باید آن تغییر اتفاق افتاده و باید به‌بسمتی حرکت کنیم که نیروهای اصیل تعالی بخش تربیت کنیم. جذب، نگهداشت و استعمار نگهداشت نیز مهم است. اگر بهترین نیرو را نیز برای جذب کنیم ممکن است فردا از دست برود. بنابراین نگهداشت نیرو به‌تنهایی نیز به‌دردمی‌خورد و استعمار نگهداشت هم از اهمیت برخوردار است. وقتی یک بحران مانند زلزله رخ دهد اگر نیروی خوب خبری نداشته باشیم، نمی‌توانم خبر درستی نیز داشته باشیم. نیروی جوان خبر من می‌داند زلزله آمده اما دستگاه تصمیم‌گیر من نمی‌تواند این تصمیم را بگیرد که خبر چه‌زمانی پخش شود. این مربوط به فرد نیست بلکه مربوط به یک شبکه همراه، برای رسیدن مردم به خبر، ما احتیاج به خرد خبری داریم. خرد خبری، همان طور که در کتاب‌هاهم نوشته‌شده، بسیار پیشرو است اما از مردم آرام است. ما برای خبر خرد می‌خواهیم. نمی‌گویم درحال حاضر این خرد خبری نیست، می‌خواهم بگویم اینها نقاطی است که باید باشد تا بتوانیم سفره‌خورد را به‌درستی پهن کنیم.

بالا ترین سند موجود در کشورمان قانون اساسی است

میلاد گودرزی ما با خود آقای خدابخشی هم‌سو هم‌نظر هستیم ولی این نکته‌ای را که در خصوص اسناد بالادستی و سندمحوری مطرح کرد، من توجه نمی‌شوم. در حال حاضر بالاترین سند موجود در کشورمان قانون اساسی است. معتمد سندمحور بودن برای ماتمضمین نمی‌آورد. برای مثال در نظر می‌گیریم که شما زمان انتخابات مدیر بودید. یک سند انتخابات داریم که رهبری مهر ۹۵ ابلاغ کردند. در یک بند آن سند می‌گوید، شورای نگهبان باید شاخص‌های روشن و شفافی را برای احراز صلاحیت یا رد صلاحیت بیان کند. آیا شما در رسانه ملی می‌توانید شورای نگهبان را بر اساس سندمحور بودن به‌چالش بکشید. **خدابخشی** بله می‌شود برای آنکه خیال شما راحت شود می‌گویم می‌شود.

گودرزی از این به بعد ان شاء الله بینیم. می‌خواهم بگویم این اصل نیست بلکه چالش‌های دیگری داریم. آنکه صداوسیما دارد تعریف می‌کند قطعا به معنای لایقیدی یا نداشتن گفتمان نیست. اما وقتی می‌گوییم صدای حاکمیت هستیم، درحالی که حاکمیت یک موضوع شفاف و واضح نیست. به‌عنوان مثال، جایی که نماینده مجلسی زیر گوش یک سرباز در خیابان می‌زند هم حاکمیت اطلاق می‌شود شما باید از آن دفاع کنید. همان طور که اولین خبر حمایتی از عنایتانی را در آن برهه زمانی باشگاه خبرنگاران جوان کار کرد، چرا؟ چون در آن برهه زمانی نیز می‌گفت که من صدای حاکمیت هستم. چون درحال حاضر به حاکمیت فحش می‌دهند در نتیجه این نماینده مجلس همان حاکمیت است و همان قصه. شاید من با شما ۱۰ درصد زاویه داشته باشم؛ ابراز این صدای حاکمیت بودن و در واقع خودمان را تعریف کردن، هیچ عایدی ندارد. شما می‌گویید نقد بر شورای نگهبان هم خواهد شد؛ اما بدون یک راهنما بایدون یک تعریف مستقل از خودمان خیلی از اتفاقات توجیه‌پذیر نیست.

عمیدی (دبیر نشست) منظور شما از مستقل بودن چیست؟

اسم رویکرد انتقادی به مسئولان را استقلال می‌گذارم

گودرزی در ذهن خودم سه هویت به نام‌های مردم، نظام، نهضت را تعریف کرده‌ام. در این تعریف مردم همان مردمی هستند که در

جامعه داریم. نظام هم به همه نهادها و ارگان‌ها و سازمان‌ها اطلاق می‌شود. یک نهضت نیز وجود دارد که آن را ولی فقیه یا نهاد غیر مسئول و حاکمیتی مانند شکل‌های دانشجویی می‌دانم. توجه کنید امام در تیرماه ۵۸ جلسه‌ای با شورای انقلاب برگزار می‌کند که در آن سخنران خود امام بوده و مخاطب مردم و مسئولان بودند. اگر زیر متن ننویسید امام تصور می‌شود رهبر یک گروه اپوزیسیون علیه جمهوری اسلامی است که در حال بیان این سخنان است. امام خمینی (ره) می‌گوید (کاری نکنید که این مردم کاری را با شما بکنند که با پهلوی کردند. چرا هنوز امور اصلاح نشده است؟ تا چه زمانی ما باید به شماها زمان بدهیم.) این نهضت است. شما اگر تفکیک نظام و نهضت را نداشته باشید می‌گویید مگر شما در جمهوری اسلامی نیستید، مگر انقلاب نکردید؟ پس چرا هنوز اپوزیسیون هستید؟ من اسم چنین رویکرد انتقادی به مسئولان را استقلال می‌گذارم. حالا این استقلال باورها و آرمان‌های معرفتی انقلاب اسلامی را باور ندارد؟ جواب قطعا نه است. اما همان باورها و اسناد بالادستی در حال خاک خوردن است که وضعیت را این گونه کرده است. به‌طور مثال در انتخابات یک‌سو صدای حاکمیت و هدف آن پرشور شدن انتخابات است. ازسوی دیگر رویکرد مقابل می‌گوید شورای نگهبان و کاندیداها باید به چالش کشیده شوند. مجری مناظرات انتخابات در زمان انتخابات به‌نوعی یک نماینده از تلویزیون به حساب می‌آید. توجه کنید مجری تنها یک توپ را از گوی درمی‌آورد و یک سوالی را از رو می‌خواند و همین. درحالی که باید یک مجری اقتصادی یا یک کارشناسی باشد و برنامه‌های کاندیداها را به چالش بکشد.

تعبیر من از استقلال این است؛ یعنی یک جاقفونیست که دست خود را نبرد. ولی زمانی که می‌گویید من صدای حاکمیت هستم، یعنی اعلام می‌کنید که وظیفه‌ام در انتخابات برپایی یک شور انتخاباتی است. دیگر آنکه تلویزیون حتی ندادن رد نامرد شورای نگهبان حرف و نقدی گفته یا کاندیداها را به چالش بکشد. حرف در لایه تا کنیت نیست که خدابخشی بخواد بگوید در این لایه می‌شود کاری کرد ما می‌توانیم کاری کنیم. یعنی نیاز به یک تصمیم کلان است تا صندلی نهضت را احیا کنیم؛ چه در نهادهای ولایت فقیه، چه در مردم و چه در نگاه دانشجویی صندلی نهضت باید احیا شود. دانشجو که باید نماد تحول خواهی و نماد راضی نبودن از وضع موجود باشد خود را سخنگوی مجمع تشخیص مصلحت نظام می‌داند! به بیان دیگر این استقلال در لایه رویکردی است. به‌جای آنکه بگویم رسانه حاکمیت هستم، می‌گویم رسانه حقیقت هستم. من هم دوست دارم رسانه انقلاب اسلامی امام خمینی (ره) و شهید بهشتی باشم؛ ولی من رسانه حقیقت هستم. زمانی حاکمیت بر مبنای آن می‌تواند عمل می‌کند که موضوعی را بخواد به مردم تحمیل کند. این نکته ساحل خوارى که گفتند جزء همان مواردی است که از آن خوش‌مان می‌آید و رسانه را در آن بیان می‌کنیم. اما باید اول قوه قضائیه و بعد رسانه ملی وارد شده تا مبارزه با ساحل خوارى صورت بگیرد. همین اتفاق را اگر رئیس قوه قضائیه نمی‌گفت و شروع به مبارزه نمی‌کرد و تنها با ورود رسانه ملی آغاز می‌شد، اتفاقی نمی‌افتاد و با چالش‌های عجیبی روبه‌رو می‌شدید. یعنی اینجا هم که یک اتفاق خوب افتاده است باز هم در دلش یک رگه‌هایی از عدم استقلال را می‌بینیم.

عمیدی (دبیر نشست) ناظر بر اتفاقات اخیر و تلاش آقای

خدابخشی می‌گویم؛ من به‌عنوان یک اصفهانی، موضوع زاینده‌رود

و پوشش اعتراض‌های زاینده‌رود که به صورت وسیعی به آن پرداخته شد را به‌عنوان یکی از مثال‌های دقیق و درست می‌دانم. اما یک نگاه دیگری از شما می‌خواهیم بشنوم که اتفاقا پوشش این گونه اتفاقات خلاف منافع ملی و منفعت مردم و حاکمیت است. اینجااست که یک‌سری بحث‌هایی مانند مصلحت گرایی پیش می‌آید. این مصلحت جامعه، شاید مبتنی بر اسناد بالادستی باشد که می‌گوید باید مبتنی بر مصالح مردم، جامعه و کشور جلو برویم. ازسوی دیگر رویکردی وجود دارد که می‌گوید ما باید با رویکرد حرفه‌ای گرای رسانه‌ای حقیقت را نشان دهیم. فکر می‌کنم با نشان دادن این حقیقت می‌توانم به رشد و باور مردم کمک کنم. این بحثی که آقای گودرزی بیان کرد ا حداقل در این مدت دیدیم، شما هم به‌صورت جدی پوشش اعتراض‌ها و پوشش خواسته‌های مردم را داشتید.

روایت اشتباه باعث قضاوت اشتباه می‌شود

خدابخشی روایت اشتباه باعث می‌شود تا قضاوت اشتباه نیز صورت بگیرد. اگر شما یک صحنه را به‌درستی بیان نکنید، قضاوت اشتباه هم از آن اتفاق و صحنه می‌کنید. برای مثال اگر در مساله اصفهان شما بگویید این گونه عمل نباید کرد یا اگر کس دیگری بود و مدل دیگری عمل می‌کرد بر فرض مثال تیم معاونت سیاسی عوض نشده و همان تیم سابق بودند. به‌نظر شما در این موضع خاص چگونه عمل می‌کرد؟

گودرزی من موقعیت ماجرا به ذهنم می‌رسد که خبر ساعت ۳۰:۲۰

واقعیت ماجرا را انجام می‌داد که صف اغتشاش‌گران از مردم عادی

جداست.

راهبرد

خدابخشی ما که به‌خبر اصفهان نگفته بودیم تا برونود تصویر برداری کنند ولی چه کسی با کواد کوپتر آن تصویر را گرفته بود؟ سیمای مرکز اصفهان بدون آنکه به‌ما بگوید آن تصویر را گرفته بود. بخشی از اتفاقات نتیجه فضای موجود است. البته اگر پنج سال قبل هم در این سمت بودم باز هم در ماجرای اصفهان به‌همین صورت فعلی وارد می‌شدم و آن را همان گونه پوشش می‌دادم. وجود فضای مجازی کمک می‌کند که هر شخصی ببیند اگر من هم پوشش هم ندهم باز مردم متوجه می‌شوند. در زمان کنونی پوشش ندادن چه نفعی برای من دارد جز اینکه باعث می‌شود شما زمان پاسخگویی به شبهات را از دست بدهید.

عمیدی (دبیر نشست) مثلاً در ماجرای بنزین که یک اتفاق مشابه

را داشتیم، خاطرم است که خدمت علی‌ عسگری بودم و او گفت بعد از ماجرای آبان ۹۸ تا دو روز به‌ما گفتند که صدا و سیما خبری کار نکند. اگر بخوایم اتفاقات حال حاضر و بنزین را مقایسه کنیم

می‌بینیم صداوسیما پوشش خوبی داده و پوشش لحظه‌ای داشته و

تغییر رویکردی در این سازمان اتفاق افتاده است.

خدابخشی ماجرای بنزین ۹۸، اغتشاشات و آشوب بوده است. اما در این ماجرا تنها یک سامانه مختل شد. البته رئیس سازمان فردی خبری است و بر سرعت عمل تأکید دارد و حتی گاهی بیشتر از مسئولان سیاسی به این موضوع توجه می‌کند. خود جلی به‌صورت حرفه‌ای در شبکه بین‌المللی حضور داشته و در این شبکه‌ها سرعت عمل به‌خاطر داشتن قیپ‌های خارجی مهم است. طبعاً حضور امروز او در رسانه ملی هم باعث می‌شود تا نحوه عملکرد مقداری تغییر کند و این مساله طبیعی است. ولی منظور من این است که صرف اینکه ما از دو کلمه بنزین ۱۴۰۰ و بنزین ۹۸ استفاده کنیم، درست نیست. ممکن است کسی فکر کند که این دوا یک جنس هستند، اما در موضوع بنزین ۹۸ مباحث دیگری نیز وجود داشت. البته هنر ما در این است که اگر عملکرد درست خبری داشته باشیم، نگذاریم چنین اتفاقی بیفتد. ولی فرض کنیم که من در آن موقعیت باشم، من نیز در آن موقعیت به این دلیل که موضوع، موضوعی امنیتی است و کنترلش از دست من خارج است، مجبورم بر مبنای قوانین موجود عمل کنم و این اتفاقات با هم می‌افتاد.

یک کتاچه پروتکلی درباره اخبار امنیتی داریم، یعنی اینکه چه گودرزی بر این صندلی بنشیند، چه دیگران زمانی که بپذیرند معاون سیاسی هستند، مجبورند این قوانین را رعایت کنند. به این دلیل که در زمان انتشار اخبار امنیتی در چهار چوب خاصی قرار می‌گیرند و باید این چهار چوب را رعایت کنند، مگر اینکه بزنند زیر میز و استغفاد دهند. آدرس ما نباید آدرس غلطی باشد. به‌صورت دقیق نقطه اختلاف مان را مشخص دهیم. یعنی بر این موضوع تأکید دارم که مشخص شود، قرار است به چه موضوعی برسیم و تفاوت ما با گذشته در چیست. اگر بتوانیم این نقطه را درست تشخیص دهیم، طی کردن مسیر آینده ما، هم‌وارتر و راحت‌تر خواهد بود. دوباره تأکید می‌کنم بر تغییری که در حال رخ دادن است و قطعا کار سختی هم خواهد بود.

فقدان عنصر پیگیری در صداوسیما یک مساله اصلی است

دو موضوع در این بحث مهم است؛ اول حرکت براساس سند محوری و دوم پیگیری است. توجه کنید ما در گذشته نیز نمونه‌هایی از سندمحوری داشتیم، مثلاً سندی را برای رفع موانع تولید داشتیم که در گذشته نیز به آن پرداخته شده بود، اما اینکه چرا به نقطه هدف نمی‌رسیم، مهم است. در این مورد فقدان عنصر پیگیری نیز در صداوسیما مساله اصلی است. در این مورد اقتباس می‌کنم به‌فرهنگ امر به معروف و نهی از منکرى که در اسلام وجود دارد. توجه کنید در امر به معروف و نهی از منکر، تکرار بخشی از وجوه امر به معروف و نهی از منکر است. یعنی اگر بگویید من امر به معروف کردم و اثر نکرد، فقه در جواب می‌گوید که اگر دیدی اثر نکرد، تکرار هم بر شما واجب است و اینکه با یک‌بار گفتن رها کنید، درست نیست. در بحث جریان‌سازی یکی از نکاتی که در گذشته به‌طور جدی وجود نداشته، عنصر پیگیری است. چون قبلا هم سوابقی در موضوع عنصر پیگیری، در رسانه‌های دیگری داشتم، می‌گویم الزاما هم بحث آنها، بحث ایدئولوژیک یا استقلال وا از این دست موارد نیست و مقداری بحث فرهنگی هم دارد. در این رسانه که رسانه ایدئولوژیکی نیز نبود، روزنامه‌نگارانی داشتند که منتسب به جناح اصلاحات بودند و به عنصر پیگیری شدیداً حساس بودند. یعنی وقتی روی یک نقطه‌ای تأکید می‌کردم و پیگیری بسیاری داشتم که مثلاً یکی از نویسرسین‌هایشان می‌گفت که اینها (ما) ژوئالیست استیژه‌جو هستند. در واقع تفاوت فرهنگی وجود داشت. بحث این مورد نیز نبود که فرد وابسته به حاکمیت بود و نمی‌خواست اصلاحی صورت بگیرد، خودش را هم اصلاح‌طلب می‌دانست. اما چون من براساس دین اسلام عمل می‌کردم که در آن تکرار واجب است، خوش‌شان نمی‌آمد. من اصل ماجرا را بازگو می‌کنم که بدانید چه بود. موضوع کوچکی بود اما پیگیری آن خیلی مهم بود. معاون غذا و داروی وزارت بهداشت گفته بود تا ۶ ماه دیگر تکلیف آلبیوم‌های تقلبی را مشخص

می‌کنیم. آلبیومى تقلبى اسیدسیتريک را با علف قاطی می‌کنند و رنگ می‌زنند. غیرقانونی نیست طبیعی هم نیست و وزارت بهداشت حاضر است که به‌شما محدودت تا آلبیومى مصنوعی تولید کنید. اما وزارت بهداشت گفت آلبیوم‌های طبیعی و مصنوعی اتفکیک می‌کنیم و باید کسی که آلبیومى مصنوعی می‌زند، روی بسته‌بندی درج کند، وعده دادند که من ۶ ماه دیگر این کار را انجام می‌دهم. ما از روزی که این وعده را دادند، گوشه بالای صفحه روزنامه زدم که پنج‌ماه و ۲۳ روز دیگر مانده به اجرای این وعده، و چهار خط نیز درباره این موضوع توضیح دادم. همین طور گذشت و رسید به همان روز و به وعده‌شان عمل نکردند. چند روز از سر رسید آن نیز گذشت و انجام نشد. نه تنها بنده را روزنامه بیرون انداختند، بلکه نفر بعدی نیز با لاف‌صه آن را از بالای صفحه برداشت. این ماجرا برای حدوداً چهار سال پیش است و هنوز آلبیوم‌های تقلبی وجود دارد. در یک کلام ما باید روایت درستی را وضعیت جامعه‌به مخاطب بدهیم.

باید بگویم سنجش‌های دقیقی از اسناد بالادستی موجود می‌خواهیم که با وضعیت موجود و وضعیت جامعه و توان موجود پیگیری شود. حل مساله برای اینکه مردم امیدوار شوند تا به این درک برسند که در این امر به معروفی که می‌کنیم و شما هم پشت‌سر من می‌ایستید و از من حمایت می‌کنید امیدی نیز در جامعه ایجاد کند. در غیر این صورت نیز گودرزی به‌عنوان یک انسان آرمان‌گرای سخت‌اگر ۲۰ شب در تلویزیون ببیند که تمام وقت مشکلات و تلخی‌ها را با بازگویی کنیم، کمک و باعث حال افسردگی بگیرند از پس که بدی‌ها و تلخی‌ها را شنیدند. این موضوع نکته مهمی است که پیگیری و حل مساله آن، مشکل تاریخی و مزمنی است که در خبر ما وجود داشته است. یعنی این مشکل که همیشه ایجاد یاس و وسپاه کردن فضای جامعه را داریم. **عمیدی (دبیر نشست)** بحث تعامل با نهادهای بالادستی و چگونگی اعمال سیاست‌های حرفه‌ای در خبر در توافق با نهادهای بالادستی از چه طریقی امکان‌پذیر است؟ و در بخشی که پروتکل‌های امنیتی هم وجود دارد ما چگونه می‌توانیم این تعامل را با نهادهای بالادستی و زوربه رسانه‌ای خبر ایجاد کنیم؟

رسانه معلم و هدایت‌گر تمامی افکار عمومی است

بنی‌هاشمی در جامعه‌ای که مردم را همواره اولویت داند، بسیاری از بحران‌ها راحت‌تر قابل مدیریت خواهد بود. یکی از مسائل در نظام رسانه این است که رسانه معلم و هدایتگر تمامی افکار عمومی است، یعنی حتی شخصیت‌های مهم کشور در تأثیر از رسانه رفتارهایشان را تغییر می‌دهند یا رفتارشان را هدایت می‌کنند. اگر ما یک رسانه معلم بدانیم به‌بسمتی می‌رویم که جریان خبری را در سازمان صداوسیما یک جریان مستقل کنیم. اگر دستورالعملی است که از لحاظ اصولی اسنادی یا یک انسان با تجربه‌های مثل خدابخشی یا جلی‌با دیگران آن را می‌فهمند و آن را به‌لحاظ چشم‌انداز درست می‌دانند، قطعا قابل استاندارد و راهبردی است. تمام اسناد بالادستی نیز روی سرمان جای دارند. بالاترین این اسناد برای ما نباء عظیم است، بنابراین دنبال شعار نبوده بلکه به دنبال تبدیل فرآیند ایدئولوژیک به یک رفتار هستم. پی گرفتن حقیقت و واقعیت را باید رسانه بفهمد و دستگاه خبری ما باید تفاوت حقیقت و واقعیت را بفهمد و آن وقت است که در بحران‌های اجتماعی می‌فهمید که چطور باید رفتار کنید. من مدعی این هستم که می‌شود تصاویری را به مردم نشان داد و باید نشان داد، ولی مهم این است که چگونه روایت می‌شود. کافی است شما چندبار سر مردم کلاه بگذارید. توجه کنید که ما مردم را بار نیاوردیم که گفت‌وگو کنیم، بار نیاوردیم که بپذیری آنها باشیم. ما باید تعامل مان و مناسبات مان را با مردم اصلاح کنیم. مردم ولی نعمتان ما هستند. اگر این مردم نباشند ما برای چه کسی خبر را پخش می‌کنیم. چرا یادمان می‌رود. اگر حضار نبودند، این نشست امروز برای چه کسی می‌توانست برگزار شود. اگر دانشجو نباشد استاد به چه دردی می‌خورد. ما باید تمرین کنیم، درحالی که بلد نیستیم یا آنها حرف بزنیم. اگر این مهم را بفهمیم اینجا است که زاویه دوربین ما اصلاح می‌شود. آن وقت تصویربرداری می‌کنیم و به آنها نشان می‌دهیم که این اجتماع خاص را دشمن طراحی کرده است. ما امروز و در دورانی که تصادف رسانه‌ها زیاد شده، به لایحه‌های امنیتی پوست‌پיازی نیاز داریم. اگر بلد نباشیم با مردم حرف بزنیم و مردم را اقناع کنیم، تا چه زمانی می‌خواهیم آقا بالا سر مردم باشیم و از آنها پنهان کنیم. باید نشان دهیم که چگونه اقدام می‌کنیم. باید تمرین کنیم نوع روایت، متن نویسی، تصویربرداری، مونتاژ و تصویر بردارها را در اصل نویسنده‌های ما باید اوستای کار باشند. برای همین در خبر می‌گوییم که خبر عشق و هنر است. ما نمی‌توانیم با آشنابازی و فامیل‌بازی بگوییم هر کسی که شغل ندارد بیاید و خبرنگار شود. با توجه به تجربه من در شرایط عادی خبر مثل گل اداره می‌شود اما در بحران‌ها می‌مانیم. این جمله من برای ۲۵ سال پیش است. شما زمانی که هر کسی را در خبر شاغل کنید؛ در شرایط عادی چون چرخ‌ها می‌چرخد می‌تواند کار کند،

اگر بلد نباشیم با مردم حرف بزنیم و مردم را اقناع کنیم، تا چه زمانی می‌خواهیم آقا بالا سر مردم باشیم و از آنها پنهان کنیم. باید نشان دهیم که چگونه اقدام می‌کنیم. باید تمرین کنیم نوع روایت، متن نویسی، تصویربرداری، مونتاژ و تصویر بردارها را در اصل نویسنده‌های ما باید اوستای کار باشند. برای همین در خبر می‌گوییم که خبر عشق و هنر است. ما نمی‌توانیم با آشنابازی و فامیل‌بازی بگوییم هر کسی که شغل ندارد بیاید و خبرنگار شود. با توجه به تجربه من در شرایط عادی خبر مثل گل اداره می‌شود اما در بحران‌ها می‌مانیم. این جمله من برای ۲۵ سال پیش است. شما زمانی که هر کسی را در خبر شاغل کنید؛ در شرایط عادی چون چرخ‌ها می‌چرخد می‌تواند کار کند،



اما در شرایط خاص وقتی که پنچر شد دیگر نمی‌تواند کاری را پیش ببرد. نیروی انسانی بخش مهمی از خبر است. جناب خدابخشی آخرین وصیت من به شما این است: ما دچار یک از خودبیگانگی در ساختار خبر شده‌ایم. بگذارید خودشناس باشیم و ارزش خود را در خبر فهمیده و متوجه شویم تا چه حد در خبر مهم‌تأثیرگذار هستیم. **عمیدی (دبیر نشست)** به‌نظر شما بحث روزنامه‌نگاری تحقیقی تا چه حد می‌تواند در حوزه خبری و سیاسی ما کمک کند و چالش‌های جدید بسازد؟

غایت روزنامه‌نگاری تحقیق است

گودرزی اتفاقی تواندیدگی از مهم‌ترین بحث‌ها، بحث روزنامه‌نگاری تحقیقی باشد. غایت روزنامه‌نگاری تحقیق است و اگر در رسانه ملی اتفاق بیفتد، تغییر بزرگی است. اما به‌نظرم چند مشکل جدی دارد؛ اول اینکه در لایه عملیاتی یا مدل کارمندی، روزنامه‌نگاری تحقیقی در نمی‌آید. زمانی که فضا، فضای کارمندی باشد ساعت ۲ بعدازظهر کارت بزنیم و به خانه برویم، قطعاً فضا روزنامه‌نگاری نیست. خبرنگار با سوزه زندگی می‌کند و یا ۷ ماه و حتی یک‌سال با سوزه است. بعضی اوقات خواب سوزه را می‌بیند، من شب‌ها خواب بدهکاران بانک را می‌دیدم. برای این موضوع در لایه عملیاتی باید فکری شود. در لایه رویکردی نیز بیان کردم که اصلاً تعریف روزنامه‌نگار تحقیقی بررسی عمیق و تحقیقی بر یک مساله و یافتن حقایق پنهان آن و انتشار آنها در رسانه‌ها و کمک و حل مساله از این طریق است.

این موضوعات با توجه به پروتکل‌ها و مواردی که نام برده شد در رسانه ملی سخت است. شورای امنیت ملی نیز وجود دارد. آقای بنی‌هاشمی نکته‌دقیقی گفت‌مبنی بر اینکه سیاست‌گذاری و پروتکل نویسی را افراد رسانه‌ای باید بنویسند. قطعاً در رسانه ملی نیز باید توسط نه‌های این حوزه اتفاق بیفتد. مسئولان امنیتی کارشان متفاوت است، کارشان مهم است اما زاویه نگاه آنها به گونه‌ای است که در خبر به چالش می‌خوریم. رویکرد و نگاه به خبر بد نیز از چالش‌های دیگر است. روزنامه‌نگاری تحقیقی عمدتاً در ۹۰ درصد مواقع خبر بد تمرکز دارد و درباره سباهی‌ها و بدهکارهای بانک و زمین‌خواری حرف می‌زند. البته در خبر بد به معنا، خبر خوب وجود دارد همان‌طور که خدابخشی هم بیان کرد. پیگیری انتشار خبر و حل مساله به‌خبر خوب منجر می‌شود. چالش‌هایی وجود دارد که اگر حل شود، اتفاق بزرگی خواهد افتاد. من معتقدم اگر رسانه ملی به‌سمت روزنامه‌نگاری تحقیقی برود، اتفاقی می‌تواند بر مسائل کلان کشور مثل تورم و اصلاح نظام بانکی موثر باشد.

من یادمان است در برنامه‌های زمانی حساب کردم و گفتم که با یک‌سوم نیروی انسانی رسانه ملی با نگاه ژوئالیسم تحقیقی می‌توان در حل سالی هشت‌هزار مساله، در کشور موثر بود. یعنی تیم‌های هشت‌نفره موضوع محور و مساله محور که طی ۳ ماه‌روى مساله‌ای متمرکز شوند، این مسائل می‌تواند از مشکل آن‌یک‌رکس تا اصلاح نظام بانکی باشد. **عمیدی (دبیر نشست)** در حوزه نرم خبر و بحث پوشش برنامه‌ها ما تقریباً طی این سال‌ها زبان خبر یک‌سکانی داشتیم و شبکه‌های خبری و ساعت‌های خبری مختلف یکسان بوده است. آبارای تحول در این موارد برنامه‌های دارید؟

خدابخشی پیرو صحبت‌های گودرزی در بارم روزنامه‌نگاری تحقیقی نکته‌ای از عرض کنم که شاید برای دوستان مفید باشد. در شناختی که از مجموعه معاونت سیاسی پیدا می‌کنیم می‌توان کمی به آینده امیدوار بود، به‌خصوص در مرکز رشد دانشگاه که اتفاقات خوبی افتاده است. ما قبلاً در مجموعه سیاسی چطور کار می‌کردیم؟ یا ۶۰ تا ۷۰ بخش خبری وجود داشت که هر کدام از این بخش‌ها یک تحریریه جداگانه داشتند. مثلاً ۶ تا نفر در ۶۰ یا ۷۰ بخش خبری بودند. تمام این نیروها خبرگزاری‌ها را نگاه می‌کردند و همگی شروع می‌کردند و هر ۰۳ تحریریه برای چه کسی می‌توانست برگزار شود. اگر دانشجو کسی از شبکه‌های خبری را برمی‌داشت و بخش می‌کرد، اتفاق بدی بود و همه می‌گفتند خبرزدنی نکنید. یعنی ۶۰ یا ۷۰ تحریریه موازی همدیگر کار می‌کردند و تا ۲۰ تا ۴۰ دقیقه خبر را جمع‌آوری و تنظیم می‌کردند و برای پخش آماده می‌شدند؛ اتفاقی که در حال حاضر در معاونت سیاسی می‌افتد.

کارمان بر پایه سندمحوری، پیگیری و تخصص‌گرایی استوار است

کار ما در این حوزه ۳ رکن اصلی دارد و بر پایه سندمحوری، پیگیری و تخصص‌گرایی استوار است. تخصص‌گرایی مرتبط به بحث روزنامه‌نگاری تحقیقی است. گفتیم که از طریق مدیریت نرم افزاری، نرم‌افزار خبرمان را به‌گونه‌ای تدوین می‌کنیم که این تحریریه‌ها همگی تبدیل به یک تحریریه بزرگ شده که در آن گروه‌های تخصصی حضور دارند. برای مثال قبلاً ما ۵ گروه تخصصی در خبرگزاری داشتیم که کلاً ۵۰ تا ۶۰ خبرنگار اقتصادی، اجتماعی، ورزشی، سیاسی و... را شامل می‌شد. همین چند روز پیش با گروه اقتصادی خبرگزاری جلسه‌ای داشتیم، خواست‌مهدرک تخصصی‌شان را بگیرند فقط یک نفر اقتصاد خوانده بود. سردبیر این بخش هم حتی اقتصاد نتوانده بود. یک نکته دیگری را بد نیست اینجا اشاره کنم، از آنجایی که خودم اقتصاد خواندم قبل از اینکه معاون سیاسی باشم در سازمان حضور نداشتم، اما وقتی به سازمان رفتم، گفتند باید با شما قرارداد بنویسیم. از من عنوان شغلی را پرسیدند من نیز از بین کارشناس خبر، دبیر خبر و خبرنگار، من خبرنگار را انتخاب کردم. به‌عبارتی، تواضع کردم، اما بعد از مدتی دیدم اصلاً حقوقی برابم نمی‌ریزند که مشخص شد مطابق آیین‌نامه و قوانین سازمان از رشته اقتصاد نمی‌شود خبرنگاری گرفت و طبعاً حقوقی هم در کار نیست. سطح تفکر مدیریت و کسی که این آیین‌نامه را تنظیم کرده است را نگاه کنید آدم تعجب می‌کند. در حال حاضر ۲۵ گروه تخصصی از همان نیروهایی که حوزه تخصصی داشتند، تشکیل دادیم و فقط در مباحث اقتصادی یا ۷ یا ۸ گروه داریم. مثلاً چون خودم اقتصاد خواندم می‌دانم در حوزه اقتصاد نیز تخصص‌ها متفاوت است. حمل‌ونقل و پول و بانک و اقتصاد کلان و... جدا هستند. بالاخره اینکه نیروها عمیق و ورزیده شوند، طول می‌کشد. ما داریم به این سمت می‌رویم که روزنامه‌نگاری شبهه‌تحقیقی داشته باشیم. هرچقدر جلوتر برویم طبعاً نیروها تقویت خواهند شد، چون همان نیرویی که ۳ ماه پیش، تنها دو روز بود که در عرصه حوادث وارد شده بود، ۶ ماه دیگر دارای ۶ ماه سابقه و اندوخته است و طبعاً تحلیل، استخراج درست و نقش هر دستگاه را راحت‌تر می‌تواند انجام دهد.